بررسی معنای کتاب در روایت علوی «هَذا کِتابُ ربّکُم ...»
مهدی حیاتی / دکتر محمدحسن رستمی / دکتر عباس اسماعیلی‌زاده
علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست و یکم، شمارهٔ ۸۲ «ویژهٔ پژوهش‌های حدیثی»، بهار ۱۴۰۳، ص۵۱-۶۶

بررسی معنای کتاب در روایت علوی «هَذا کِتابُ ربّکُم کمَا اُنزِلَ علَی نَبیّکُم»*

مهدی حیاتی[۱] / دکتر محمدحسن رستمی[۲] / دکتر عباس اسماعیلی‌زاده[۳]

چکیده

روایت علوی «هَذا کِتابُ ربّکُم کمَا اُنزِلَ علَی نَبیّکُم» درکتاب الاعتقادات شیخ صدوق بدون ذکر سند نقل شده است. اما روایات هم‌خانواده و مشابه آن در کتاب اصول کافی و بصائرالدرجات صفار با سند متصل روایت شده است. هر چند این حدیث در رابطه با مصحف امیرمومنان علیه‌السلام در منابع شیعی به شکل پربسامدی منعکس شده و مورد استناد قرار گرفته است؛ اما تاکنون مستقلاً به بررسی محتوایی و دلالی آن پرداخته نشده است. پرسش اصلی این که از محتوای این روایت چه اطلاعاتی پیرامون مصحف حضرت به دست می‌آید؟ این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته و هدف از آن بررسی سندی و متنی روایت مذکور است. نتایج به دست آمده از آن روشن می‌سازد که محتوای مصحف حضرت از جنس وحیانی بوده و شامل تنزیل و تأویل می‌باشد، یعنی علاوه بر وحی قرآنی، وحی بیانی نیز در حاشیه مصحف حضرت ثبت شده است. امیرمومنان علیه‌السلام به آن مجموعه واژه «کتاب» اطلاق کرده است. پس واژه کتاب اعم از واژه قرآن بوده و رابطه بین کتاب و قرآن، عموم و خصوص مطلق است. از خلال بررسی این حدیث معنای واژه «کتاب» در حدیث ثقلین نیز روشن می‌گردد. که این مطلب دستاورد جدیدی در رابطه با مصحف حضرت می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کتاب، وحی قرآنی، وحی بیانی، مصحف امام علی علیه‌السلام

---

* دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۱۴؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۲۰.

۱. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز mehdi.hayati@scu.ac.ir
۲. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول) rostami@um.ac.ir
۳. دانشیار علوم قرآن و حدیث دانشگاه فردوسی مشهد esmaeelizadeh@um.ac.ir

۱. مقدمه

خداوند قرآن کریم را از گزند هر گونه تحریف و تغییر مصون داشته می‌فرماید: «انا نحن نزلنا الذکر و انا له لحافظون»(حجر، ۹) الفاظ کلام وحي بدون هر گونه کم و زیاد و تغییر و تحریفی به همان شکلي که بر قلب نازنین رسول اکرم ﷺ نازل شده است پیش روي ماست. اما از ره‌گذر بررسي مصاحف و روایاتی که در این خصوص به دست ما رسیده، شبهاتی پیرامون موضوع تحریف‌ناپذیری قرآن مطرح شده است.

یکی از این مصاحفی که به دلایل فراوانی توجه دانشمندان اسلامی را به خود جلب کرده، مصحف امام علی علیه‌السلام است. علی‌رغم این که اصل مصحف به دست ما نرسیده تا بتوانیم بر اساس شواهد عینی در خصوص آن اظهار نظر کنیم، اما آنچه از خلال منابع حدیثی و تاریخی به دست می‌آید، می‌تواند دورنمایی از مصحف امیرمومنان علیه‌السلام را برای ما ترسیم نماید. پاسخ مسائلی از جمله اصل وجود مصحف حضرت، فضایی که مصحف حضرت در آن نوشته شده، محتوای و نسبت آن با مصحف عثمانی را می‌توان در منابع روایی یافت.

۱-۱. طرح مسأله

یکی از روایات پُربسامد که در موضوع مصحف حضرت علی علیه‌السلام مکررا مورد استناد بوده و مشخصاً در روایاتی که به گزارش از نحوه عرضه شدن مصحف توسط حضرت، بعد از رحلت رسول اکرم ﷺ مورد توجه دانشمندان شیعی است، روایتی منقول از شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات چنین نقل شده است: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْف» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۱، ص ۸۶) است. پرسش‌های اصلی راجع به این روایت این است که چه اطلاعاتی از خلال بررسی این روایت، پیرامون مصحف حضرت علی ﷺ به دست می‌آید؟ و منظور از کتاب در این روایت چیست؟ محتوای این کتاب چیست؟ و چه نسبتی بین آن و قرآن وجود دارد؟ براین اساس بررسی این روایت از لحاظ سندی و متنی، منابع و مصادر ضروری به نظر می‌رسد.

۲-۱. اهداف، ضرورت و روش تحقیق

پژوهشگر این سطور معتقد است برای ساختن تمدن نوین اسلامی، همه اقیانوس میراث مکتوب حدیثی اهل بیت علیهم‌السلام، نیازمند بازشناسی سندی و متنی و بازفهمی نوین براساس مقتضیات زمانه است. از آن جایی که روایت مذکور بسیار مورد استناد علمای شیعه قرار گرفته است و تحقیقی مستقل درخصوص آن صورت نگرفته است، هدف از این پژوهش این است که ضمن بررسی سندی و دلالی روایت مذکور، تحلیلی محتوایی از مصحف حضرت علی علیه‌السلام نیز ارائه گردد. این پژوهش به روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است.

۳-۱. پیشینه تحقیق

تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره مصحف امام علی علیه‌السلام نوشته است، که خود از جایگاه و اهمیت مسأله مصحف امام علی علیه‌السلام نزد شیعیان حکایت دارد؛ هر یک از این آثار، جنبه‌ای از موضوع را بررسی کرده‌اند. برخی از مقالاتی که در این زمینه نوشته شده است:

- رضایی، اسدالله، «مصحف امام امیرالمومنین علی علیه‌السلام، حقیقت یا توهم؟»، نشریه سراج منیر، زمستان ۱۳۹۰ شماره ۴.
- امینی، عبدالله، «مصحف امام علی علیه‌السلام»، فرهنگ کوثر، ۱۳۸۷، شماره ۳۳.
- پیرانی، فاطمه، «ارزیابی دیدگاه ها در تاثیر مصحف امام علی علیه‌السلام بر شبهه تحریف قرآن با تاکید بر دیدگاه آیت الله العظمی فاضل لنکرانی(ره)»، اولین همایش ملی دیدگاه های علوم قرآنی حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی (ره)
- عباسی مقدم، مصطفی؛ موسوی، سید محمد، «بررسی تحلیلی- انتقادی روایات ناظر به ترتیب مصحف امیر مومنان علی علیه‌السلام»، مطالعات فهم حدیث، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، سال هفتم، شماره ۱۳.
- محمدزاده، الهام؛ مرتضوی، سیدمحمد؛ شاهرودی، سید مرتضی؛ «مصحف حضرت علی علیه‌السلام در منابع علم ائمه»، پژوهش نامه علوی، بهار و تابستان ۱۳۹۵، سال هفتم، شماره ۱.

• تجری، محمدعلی؛ مقیمی نژاد داورانی، محدثه؛ «واکاوی روایات شیعی در ترتیب نزولی بودن مصحف امام علی علیه‌السلام»، آموزه‌های قرآنی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۲۲.
• نکونام، جعفر، «ترتیب مصحف امام علی علیه‌السلام موافق نزول یا موافق موجود؟»، پژوهشنامه قرآن و حدیث، تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲.
• امامعلی‌پور، علی؛ بیگدلی، آدین، «مصحف امیرالمومنین علیه‌السلام یا نخستین کتاب در حوزه علوم قرآنی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، ۱۳۸۵، دوره ۵۷، شماره ۱۷۸.

آنچه در این پژوهش به طور خاص به آن پرداخته شده اعتبارسنجی و دلالت سنجی این حدیث است؛ که در آثار پژوهشگران مورد توجه قرار نگرفته است.

۲. بررسی حدیث

روایت شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات بدون ذکر منبع نقل شده است. به منظور بررسی دلالی حدیث لازم است خانواده حدیثی تشکیل شده و محتوای روایت را با سایر احادیث تحلیل نماییم.

۲-۱. بررسی مصادر و منابع حدیث

شیخ صدوق در کتاب الاعتقادات الامامیه در «باب مبلغ آیات القرآن» توضیحاتی را در خصوص مصحف امیرمؤمنان علیه‌السلام ارائه کرده و ذیل آن روایتی از حضرت نقل کرده است که می‌فرمایند: «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكُمْ، لَمْ يَزِدْ فِيهِ حَرْفٌ، وَ لَمْ يَنْقُصْ مِنْهُ حَرْف» (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۱، ص ۸۶) ایشان سند روایت را ذکر نکرده ولی روایت دیگری مشابه آن در کتاب اصول کافی با سند کامل نقل شده است.

روایت مشابهی از امام صادق علیه‌السلام در کتاب شریف اصول کافی نقل شده است، که فرموده‌اند: «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ قَالَ: قَرَأَ رَجُلٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام وَ أَنَا أَسْتَمِعُ حُرُوفاً مِنَ الْقُرْآنِ لَيْسَ عَلَى مَا يَقْرَأُهَا النَّاسُ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام كُفَّ عَنْ هَذِهِ الْقِرَاءَةِ اقْرَأْ كَمَا يَقْرَأُ النَّاسُ حَتَّى يَقُومَ

الْقَائِمُ عليه السلام فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ عليه السلام قَرَأَ كِتَابَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَى حَدِّهِ وَ أَخْرَجَ الْمُصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلِيٌّ عليه السلام وَ قَالَ أَخْرَجَهُ عَلِيٌّ عليه السلام إِلَى النَّاسِ حِينَ فَرَغَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله وَ قَدْ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ فَقَالُوا هُوَ ذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَ اللَّهِ مَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَداً إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتُهُ لِتَقْرَءُوهُ.» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۳۳، ح ۲۳) بخشی از روایت کافی که در این مقاله مد نظر قرار گرفته این عبارت است: «قَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله»

۲-۲. احادیث مشابه و همخوان

حدیث اصول کافی به صورت کامل یا ناقص در منابع بسیاری نقل شده است برخی از منابع از اصول کافی نقل کرده‌اند و برخی از کتاب بصائر الدرجات (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۳۹) که عبارتند از:

۱- منابع حدیثی:

الوافی، ج ۱، ص ۱۷۷۷ حدیث ۹۰۸۷؛ بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۳۹؛ بحار الانوار (چاپ بیروت)، ج ۸۹، ص ۸۸، حدیث ۲۸؛ مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۱۲، ص ۵۲۳، حدیث ۲۳؛ وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۶۳؛ الفصول المهمه فی الاصول الائمه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۶۲؛ مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، ج ۴، ص ۲۲۶؛ هدایه الامه الی احکام الائمه، ج۳، ص ۶۳.

۲- منابع تفسیری:

تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب، ج ۷، ص ۴۱۹؛ تفسیر نورالثقلین، ج ۳، ص ۱۷۰

۳- حدیث مشابهی بدون ذکر سند در کتاب مجمع البحرین طریحی به نقل از پیامبراکرم صلى الله عليه وآله چنین آمده است: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ لِعَلِيٍّ: "يَا عَلِيُّ الْقُرْآنُ خَلْفَ فِرَاشِي فِي الصُّحُفِ وَ الْحَرِيرِ وَ الْقَرَاطِيسِ فَخُذُوهُ وَ اجْمَعُوهُ وَ لَا تُضَيِّعُوهُ كَمَا ضَيَّعَتِ الْيَهُودُ التَّوْرَاةَ، فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ عليه السلام وَ جَمَعَهُ فِي ثَوْبٍ أَصْفَرَ ثُمَّ خَتَمَ عَلَيْهِ فِي

بَيْتِهِ وَ قَالَ: لَا أَرْتَدِي حَتَّى أَجْمَعُهُ، وَ إِنَّهُ كَانَ الرَّجُلِ لِيَأْتِيَهُ فَيَخْرُجُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ رِدَاءٍ حَتَّى جَمَعَهُ وَ أَخْرَجَهُ إِلَى النَّاسِ، فَلَمَّا فَرَغَ مِنْهُ وَ كَتَبَهُ قَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ جَمَعْتُهُ مِنَ اللَّوْحَيْنِ. فَقَالُوا: هَذَا عِنْدَنَا مُصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لَا حَاجَةَ لَنَا فِيهِ. فَقَالَ: أَمَا وَ اللَّهِ لَنْ تَرَوْهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا، إِنَّمَا كَانَ عَلَيَّ أَنْ أُخْبِرَكُمْ كَيْفَ جَمَعْتُ الْقُرْآنَ".» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۶) این روایت به شکل گزارش گونه نقل شده است، آنچه در این حدیث مدنظر است عبارت «قَالَ لَهُمْ: هَذَا كِتَابُ اللَّهِ كَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ» می‌باشد.

۲-۳. بررسی سندی حدیث

سند روایت اصول کافی عبارت است از «مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي هَاشِمٍ عَنْ سَالِمِ بْنِ سَلَمَةَ» بررسی رجالی این چهار نفر در منابع رجالی به شرح ذیل است:

۱- **محمد بن یحیی**: در رجال نجاشی آمده است: «محمد بن یحیی ابوجعفر العطار القمی شیخ اصحاب ما در زمان خود بوده ایشان ثقه، عین، کثیر الحدیث است وی کتاب‌هایی از جمله، مقتل الحسین علیه‌السلام، النوادر دارد شماری از اصحاب ما از فرزندش احمد از قول پدر یعنی محمد بن یحیی احادیث را نقل کرده‌اند.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۵۳) کلینی از وی نقل کرده وی کثیرالروایه و ثقه است. (حلی، ۱۴۰۲، ص ۵۸)

۲- **محمد بن الحسین**: در رجال کشی آمده است: «اهل قم از وی به الحسین بن ابی الخطاب یاد کرده‌اند و دیگران به الحسین بن الخطاب از وی یاد کرده‌اند.» (کشی، ۱۴۰۴، ص ۶۱۳) نجاشی آورده است: «محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ابوجعفر الزیات الهمدانی وی از اصحاب ما عظیم القدر، کثیرالروایه، ثقه، عین، حسن التصانیف» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۳۳۴)

۳- **عبدالرحمن بن ابی هاشم**: نجاشی می‌نویسد: «عبدالرحمن بن محمد بن ابی الهاشم البجلی ابومحمد، جلیل القدر از اصحاب ما و ثقه ثقه است.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۲۳۶) علامه حلی می‌نویسد: «ابومحمد جلیل القدر از اصحاب ما و ثقه ثقه است.» (حلی، ۱۴۰۲، ص ۱۱۴)

۴- سالم بن سلمه: هر چند شیخ طوسی در الفهرست وی را تضعیف کرده (طوسی، ۱۴۲۰، ص ۲۲۶) اما برای وی کافی است که نجاشی او را به نیکویی توثیق نموده و می‌نویسد: «سالم بن مکی بن عبدالله ابوخدیجه... ثقه ثقه است کتابی دارد که اصحاب ما از وی نقل کرده‌اند.» (نجاشی، ۱۳۶۵، ص ۱۸۸) و کشی نیز وی را صالح و از اهل کوفه می‌داند. (کشی، ۱۴۰۴، ص ۳۵۲)

در نتیجه سند روایت متصل بوده و حدیث مسند است و به خاطر آن که راویان حدیث امامی مذهب و ثقه هستند، حدیث صحیح است.

۲-۴. معنا و شرح واژه‌های حدیث

هر سه روایت یعنی نقل شیخ صدوق، حدیث اصول کافی و نقل مجمع البحرین گزارشی از چگونگی شکل‌گیری، محتوا و سرانجام مصحف امیرمؤمنان علیه‌السلام را نقل کرده‌اند. در هر سه روایت بخشی که مد نظر است این سخن امیرمومنان علیه‌السلام است: «هَذَا کِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ کَمَا أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ صلی‌الله‌علیه‌وآله» در کتاب الکافی و «هَذَا کِتَابُ رَبِّکُمْ کَمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِیِّکُمْ» در نقل شیخ صدوق. واژه‌ای که در این عبارت باید مورد بررسی بیشتری قرار گیرد واژه «کتاب» است. منظور از کتاب چیست؟ و چه نسبتی با قرآن دارد؟

۲-۵. نسبت بین مصحف و کتاب و قرآن

معنای مصحف در عصر صحابه تا اوایل قرن دوم هجری به معنای نوشتار بین دو جلد بوده، چه قرآن با تفسیر باشد مانند مصاحف صحابه یا نوشتار حدیث باشد مانند مصحف خالد بن معدان که سال صد و سه یا چهار یا هشت هجری وفات کرده و مانند مصحف دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که امام صادق می‌فرماید: «در آن مصحف یک حرف از قرآن نیست. بلکه اخبار غیبی است.» از آن جایی که امروزه معنای مصحف نزد مردم مساوی با قرآن است، اختلاف مصاحف صحابه را اختلاف در نصّ قرآن می‌دانند و می‌پندارند مصحف فاطمه دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله که در روایات اهل بیت علیهم‌السلام ذکر شده است، قرآن دیگری است. (ادیبی لاریجانی، ۱۳۸۷، ص۲۱۰) بنابراین واژه مصحف، گاهی به معنای قرآن است، یعنی در آن جایی که حرف از مصحف خلفا و مصحف عثمانی و مصحفی است که اکنون در دست همه

مسلمانان موجود است. ولی در روایاتی که سخن از مصحف امیرمومنان علیه‌السلام است، منظور از مصحف، کتاب الله است.

اما مراد از کتاب، حقیقت بسیط و صورت قبل از نزول تدریجی آن است، و چنان که از روایات استفاده می‌شود، وجود بسیط قرآن کریم پیش از آن که به صورت الفاظ و عبارات درآید، در آسمان دنیا نازل شده بود. از ظاهر آیات قرآن به دست می‌آید که مراد از کتاب به معنای قرآن صورت بعد از نزول آن است؛ زیرا در برخی از آیات کتاب هدایتگر و دارای آیات محکم و متشابه معرفی شده و در برخی دیگر انسان‌ها را به پیروی و تدبر در آیات کتاب سفارش کرده است. اما حقیقت قرآن به صورت بسیط آن از دسترس عموم مردم دور است. (شریعتی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۸)

جوادی‌آملی نیز می‌نویسد: «عنوان کتاب، اصطلاح شرعی ندارد و همان معنای متفاهم لغوی از آن اراده شده است؛ یعنی مجموعه‌ای که دارای آغاز و انجام است. واژه کتاب غیر از واژه قرآن است. زیرا قرآن دارای اصطلاح شرعی است که به همه یا به بخشی از آیات و سوره‌های این کتاب آسمانی نیز عنوان قرآن اطلاق می‌گردد؛ بنابراین اگر لفظ کتاب در موردی به کار رود، مقصود همه قرآن است و اگر بخشی از قرآن مقصود باشد، براساس علاقه جزء و کل، مجاز خواهد بود و به قرینه نیازمند است.... پس وقتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: من کتاب را میان شما به جای می‌گزارم، مقصود آن حضرت قرآن جمع شده و مدون است؛ نه پراکنده؛ بنابراین گردآوری قرآن پس از این در دوران ابوبکر، معنای دیگری خواهد داشت که با اصل جمع و تدوین قرآن در عصر رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله منافاتی ندارد.» (جوادی‌آملی، ۱۳۸۴، ص۱۶۰) پس بین واژه کتاب و قرآن نسبت تساوی برقرار نیست، بلکه عموم و خصوص مطلق هستند. کتاب الله، اعم از قرآن است. در کتاب الله همه قرآن هست و علاوه برآن چیزهای دیگری هست که در قرآن نیست.

۲-۶. محتوای مصحف امیرمومنان علیه‌السلام

بر اساس این مطالب لازم نیست هر آنچه از جانب خداوند و وحی نازل شده، از قرآن باشد، زیرا از روایات در این زمینه به دست می‌آید که مصحف علی علیه‌السلام شامل اضافات در

تنزیل و تأویل بود و در هیچ یک از این روایات اشاره‌ای به این نیست که این موارد زیادی از قرآن باشد. مصحف آن حضرت شامل متن و شرح است؛ متن آن همان تنزیل و شرح آن، تفسیر و تأویل است. (خرازی، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۶۹) روایاتی که در مورد مصحف حضرت وارد شده نیز مؤید همین مطلب است.

قرآن صراحتاً وظیفه تبیین احکام اسلامی را بر عهده پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داده است و می‌فرماید: «و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم» (نحل، ۴۴) و می‌فرماید: «هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلو علیهم آیاته و یزکیهم و یعلّمهم الکتاب و الحکمه» (نحل، ۴۴). مطابق این گونه آیات وظیفه اساسی پیامبر صلی الله علیه و آله تبیین و رفع ابهام از مجملات قرآن است. چنان که از آن حضرت نقل شده است که فرمود: «الا انی اوتیت القرآن و مثله معه» آگاه باشید که خداوند به من قرآن و همانند آن را عطا کرده است. علما در تبیین این گفتار، «مثله» را وحی بیانی، در کنار وحی الهی (وحی رسالی) دانسته‌اند که علاوه بر نزول وحی الهی در نزول آیات بر پیامبر صلی الله علیه و آله تفسیر و تبیین آنها نیز بر پیامبر صلی الله علیه و آله توسط جبرئیل آورده می‌شده است. (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۲۷)

«پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز براساس همین وظیفه، قرآن را به امیرمؤمنان علیه السلام املا فرموده و قرائت آن را به ایشان آموخته و شأن نزول و تاریخ آن، و مصادیق حال و آینده و بالاخره تفسیر و تأویل آیات کتاب خدا را برای امام بیان فرموده و بعد از آن دستور داده است که امام آنچه را آموخته است به طور کامل بنویسد. قرآن موجود نزد ائمه اطهار علیهم السلام با چنین توضیحات و تفسیراتی همراه بوده و نسبت به قرآن کنونی، از نظر متن نه یک ذره کم داشته و نه یک ذره زیاد.» (قنبری، ۱۳۸۷، ج۲، ص ۵۴۸) بنابراین طبق روایت منقول از امیرمومنان علیه السلام، محتوای مصحف حضرت شامل تنزیل و تأویل است. «و لقد جئتهم بالکتاب کملاً مشتملاً علی التنزیل و التأویل» (بلاغی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۷).

۲-۷. منظور از تأویل و تنزیل

همان‌گونه که گفته شد محتوای مصحف امام علی علیه السلام علاوه بر تنزیل مشتمل بر تأویل آیات نیز بوده، حال این پرسش مطرح است که، تأویل چه نسبتی با تنزیل دارد؟ و از چه

منبع و مصدری به مصحف امام علیه‌السلام وارد شده است؟ سید محسن الاعرجی الکاظمی می‌نویسد: «مصحف امام علی علیه‌السلام مشتمل بر تفسیر و تأویل بود و عادت بر این بوده که تأویل را به همراه تنزیل می‌نوشتند. دلیل آن این روایت از حضرت است که، «و لقد جئت بالکتاب کملاً مشتملاً علی التأویل و التنزیل، و المحکم و المتشابه، و الناسخ و المنسوخ» به صراحت می‌گوید همه آنچه در مصحف خویش گردآوری کرده است، تنزیل قرآن نیست.» (الاعرجی الکاظمی، به نقل از: حسینی میلانی، بی‌تا، ص۲۰)

شیخ صدوق ذیل حدیث ثقلین می‌نویسد: «لازم است که همواره کتاب خدا همراه یکی از عترت باشد، همراه کسی که تأویل و تنزیل کتاب الله را به علم یقینی بداند و از مراد خدای تعالی اخبار کند، همچنان که رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از مراد آیات إخبار می‌فرمود، و بایستی که معرفت او به تأویل کتاب از روی استنباط و اجتهاد نباشد، کما آنکه معرفت رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله از روی استنباط و اجتهاد نبود و صرفا بر علم لغت و مخاطبات استناد نمی‌فرمود، بلکه مراد الله را از طریق خدای تعالی بیان می‌کرد تا با بیانش حجّت الهی بر مردم تمام شود» (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۲۷) بنابراین ایشان منشأ علم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را وحیانی می‌داند.

میرزا مهدی بروجردی به وجود تأویل آیات در کنار تنزیل آنها در مصحف حضرت اذعان کرده و می‌نویسد: «بنابراین در موضوع مصحف امام علی علیه‌السلام گفته می‌شود مجموع تفسیر و تأویل، تبیین مجملات و تقیید مطلقات، ناسخ و منسوخ قرآن در آن جمع است، که همه آن از علوم پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله برگرفته شده بود. و امام علی علیه‌السلام آن مصحف را بر خلیفه اول و دوم بعد از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله عرضه کرد. آنها پس از آگاهی از مطالب تفسیر و تأویل آن، فهمیدند که اگر این کتاب تفسیر در دسترس همگان باشد از هدف خودشان در حکومت بر امت اسلامی باز خواهند ماند. پس در پاسخ به امام علی علیه‌السلام گفتند که نیازی به کتاب تو نداریم و این قرآنی که در دست ماست؛ ما را بس است. شاهد بر این عرض خویش، فرمایش امیرمؤمنان علیه‌السلام است، که فرمود: کتابی کامل شامل تأویل و تنزیل، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ برای آنها آوردم. در این کلام آن حضرت تصریح شده است که

تأویل همراه قرآن بوده است به قرینه عبارت مشتملاً علی التأویل و التنزیل» (بروجردی، بی‌تا، ۴۳-۴۴)

ابن‌شهر آشوب منظور از تأویل را همه مفاهیم و مضامین و مدلول های آیات قرآن می‌داند: «منظور از محکم و متشابه، تنزیل و تأویل قرآن و غیره که مورد اشاره روایات است و در مصحف امام علی علیه‌السلام جمع آوری شده است، یعنی همه مفاهیم و مضامین و مدلول‌های آیات قرآن دقیق و کامل به همراه الفاظ آیات مصحف کنونی در نزد امام وجود داشته است، یعنی اصول و کلیات و مطلقات شریعت در قرآن کریم آمده است، و خداوند متعال به وسیله وحی بیانی پیامبرش را در جریان مسائل جزئی، مخصص‌ها و تقییدها قرار داده است و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز آن اسرار را برای امیرمؤمنان علیه‌السلام تشریح کرد. به چنین اقدامی تأویل و تفسیر قرآن گفته می‌شود؛ همان گونه که خود حضرت آن را نقل کرده است: «پروردگارم به من قلبی عاقل و زبانی پرسش کننده عنایت فرموده است.» (ابن شهرآشوب مازندرانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۴۳)

بنابراین منظور از تأویل، مراد خداوند از آیات قرآن است؛ چه این که تنش‌های ایجاد شده میان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و مشرکان در وحیانیت قرآن بود؛ نه تأویل. پیامبر قرآن را وحی الهی می‌خواند و مشرکان، سخن بشر؛ اما دشمنان علی علیه‌السلام در اصل قرآن و این که وحی الهی است با امام اختلاف نداشتند، بلکه ناسازگاری ایشان در مراد خداوند یا همان تأویل ایات بود. (فرجادی، ۱۳۸۳، ص ۲-۶)

۲-۸. منظور از وحی بیانی

وحی نازل شده بر رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، به دو شکل است: یک قسم آن به صورت مکتوب است یعنی نوشته شده و مدوّن، که همان قرآن کریم است. قسم دیگر وحی الهی، شفاهی است، یعنی مجموعه علوم و دانشی که خداوند به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله داده است. و آن را در قالب الفاظ و عبارات خود ریخته تا کتاب خدا را تبیین و تفسیر نماید و جزئیات آن را برای مردم توضیح دهد. آیه شریفه «و ما ینطق عن الهوی ان هو الا وحی یوحی» (نجم، ۳و۴) بیانگر این است که وحی، شامل قرآن و علوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله هر دو می‌شود. بنابراین، مجموعه گفتار و

سخنان رسول خدا ﷺ که بر محور دین و در چارچوبه مسائل شریعت باشد، همه داخل در وحی است. (کوشا، ۱۳۸۴، ۱۵۷-۱۶۲)

بنابراین شریعت اسلام با دو وحی نازل می‌شده است. وحی قرآنی و وحی بیانی. پس با وحی قرآنی تنها، و بدون وحی بیانی، ما به شرایع اسلام (همچون نماز، روزه و حج) نمی‌توانیم برسیم. (عسکری، ۱۳۸۷، ص۲۲۰)

خداوند دین خود را در قالب «وحی قرآنی» و «وحی بیانی» بر پیامبرش عرضه داشت. سهم عظیمی از وحی بیانی به صورت «آموزه‌های خاص دینی» در اختیار وارثان علم پیامبر ﷺ یعنی اهل بیت علیهم‌السلام قرار گرفت که موضوع بخش مهمی از آن، تفسیر قرآن است. (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۱۷) با انحراف خلافت پیامبر ﷺ از مسیر خود، خلفا به بهانه حفظ قرآن از زیاده و نقصان و جلوگیری از اختلاط کلام خداوند با روایات نبوی ـ که چیزی جز وحی الهی نبود- به منع نقل و کتابت حدیث فرمان دادند و به محو و نابودی میراث مکتوب نبوی همت گماشتند. (افتخاری، ۱۳۸۷، ص ۴۱)

بنابراین براساس احادیث، در کنار وحی آیات الهی بر رسول اکرم ﷺ، تفسیر و تأویل و تبیین آیات نیز به پیامبر ﷺ وحی می‌شد که از آن به «وحی بیانی» تعبیر شده است و در کنار وحی قرآنی قرار دارد. از حسان بن ثابت نقل شده که جبرئیل همان‌گونه که قرآن را بر پیامبر ﷺ نازل می‌کرد، سنت را نیز نازل می‌کرد. (مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۳۶۹)

۲-۹. تحلیل محتوای روایت

از عبارت «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ كَمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكُمْ» چند نکته روشن می‌شود:

اول: همه مجموعه‌ای که حضرت جمع آوری کرده است کلام خداست. «هَذَا كِتَابُ رَبِّكُمْ» بدون دخل و تصرف؛ حضرت علی علیه‌السلام تفسیر و توضیحی از خود به این کتاب اضافه نکرده و چیزی از آن را حذف نکرده است.

دوم: این مجموعه گردآوری شده توسط امیرمؤمنان علیه‌السلام که در این حدیث «کتاب» نامیده شده است، مطابقت کاملی دارد، با آنچه که بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است «كَمَا أُنْزِلَ عَلَى نَبِيِّكُمْ»

سوم: جنس محتوای مصحف حضرت وحیانی است. «کَمَا أُنْزِلَ عَلَی نَبِیِّکُمْ» مخلوط به اجتهادات و استنباطات حضرت نشده است. این مصحف مشتمل بر وحی بیانی بوده که همچون وحی قرآنی به وسیله جبرئیل بر پیامبر ﷺ نازل شده است و اگر در روایات از این مصحف با عباراتی چون «علی ما انزل الله» و «کما انزل الله» یاد شده، بر این که آن مصحف براساس نزول تنظیم شده و ترتیب نزولی داشته است، دلالت ندارد. بلکه منظور مطابقت آن، با محتوای وحی بر رسول اکرم ﷺ است، . در این روایات واژه «تألیف» آمده نه «ترتیب»، «علی ما انزل الله» آمده نه عبارت دیگر. یعنی مصحف حضرت مطابق با نزول بوده و چیزی کم و زیاد نداشت نه این که به ترتیب نزول بود. (نک: مهدوی راد، ۱۳۸۲، ص ۳۷۱-۳۷۲)

چهارم: اگر این روایت را درکنار حدیث علوی «و لقد جئتهم بالکتاب کملاً مشتملاً علی التنزیل و التأویل» (بلاغی، ۱۳۵۲، ج ۱، ص ۲۷) قرار دهیم؛ نکته دیگری از آنها استنباط می‌شود این که:

محتوای مصحف امیرمؤمنان علیه‌السلام که «کتاب» نامیده شده است. هم تنزیل است و هم تأویل. از آن جایی که مصحف حضرت فقط آیات قرآن نبود و وحی غیر قرآنی نیز در آن گردآوری شده بود، و اساساً تفاوت مصحف امام علی علیه‌السلام با مصاحفی که به دستور خلفا جمع آوری شد و نیز دلیل اصلی نپذیرفتن مصحف حضرت توسط خلفا، وجود همین وحی غیر قرآنی بود که در حاشیه مصحف حضرت نوشته شده بود؛ پس منظور از تنزیل، آیات قرآن است و تأویل همان وحی غیر قرآنی است. (نک: مهدوی‌راد، ۱۳۸۲، ص ۳۷۰) پیشتر روشن شد که جنس محتوای مصحف حضرت چیزی غیر از وحی نبود. «کَمَا أُنْزِلَ عَلَی نَبِیِّکُمْ»

پنجم: اگر آنچه از مفهوم واژه کتاب دریافت شد را بر محتوای حدیث شریف ثقلین تطبیق دهیم، منظور از واژه «کتاب» در حدیث ثقلین نیز روشن می‌شود. پیامبر ﷺ فرمود: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی» (ابن‌بابویه قمی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص۶۲؛ مفید، ۱۴۱۳ ج، ج۱، ص ۲۳۳) یعنی: «من در میان شما دو میراث گرانسنگ بر جاي مي‌گذارم، کتاب خدا و

عترت خویش را و آنان از یکدیگر جدا نمی‌شوند، تا زمانی که در حوض بر من وارد شوند.» پس منظور از ثقل اکبر و کتاب الله فقط قرآن به تنهایی نیست؛ بلکه وحی قرآنی و وحی بیانی است «مشتملاً علی التنزیل و التأویل» که در مصحف امیرمؤمنان علیه‌السلام گردآوری شده بود. ثقل اکبر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله، آیات قرآن به همراه «وحی بیانی» بود.

۳- نتیجه گیری

روایت علوی «هذا کتاب ربکم کما أُنزل علی نبیکم» درکتاب الاعتقادات شیخ صدوق بدون ذکر سند نقل شده است. اما روایات هم خانواده و مشابه آن در کتاب اصول کافی و بصائرالدرجات صفار با سند متصل روایت شده است. هر چند این حدیث در رابطه با مصحف امیرمومنان علیه‌السلام در منابع شیعی به شکل پربسامدی منعکس شده و مورد استناد قرار گرفته است؛ اما تاکنون مستقلاً به بررسی محتوایی و دلالی آن پرداخته نشده است. نتایج به دست آمده از این پژوهش روشن می‌سازد که محتوای مصحف حضرت از جنس وحیانی بوده و شامل تنزیل و تأویل می‌باشد، یعنی علاوه بر وحی قرآنی، وحی بیانی نیز در حاشیه مصحف حضرت ثبت شده است. امیرمومنان علیه‌السلام به آن مجموعه واژه «کتاب» اطلاق کرده است. پس واژه کتاب اعم از واژه قرآن بوده و رابطه بین کتاب و قرآن، عموم و خصوص مطلق است. کلمه قرآن به همه یا بخشی از آیات یا سوره‌های این کتاب آسمانی اطلاق می‌شود؛ در نتیجه تمام مصحفی که اکنون در دست ما است، قرآن است. زیرا تمام مصحف موجود شامل بخشی از آن کتاب خدا است؛ و کتاب خدا اجتماع وحی بیانی و وحی قرآنی با هم است. از خلال بررسی این حدیث معنای واژه «کتاب» در حدیث ثقلین نیز روشن می‌گردد. که این مطلب دستاورد جدیدی در رابطه با مصحف حضرت می‌باشد.

فهرست منابع

قرآن کریم

ابن بابویه قمی، محمدبن علی، (۱۳۷۱)، **الإعتقادات الإمامیه**، ترجمه: سید محمد علی حسنی، تهران: اسلامیه.

ابن بابویه قمی، محمدبن علی، (۱۳۸۰)، **کمال الدین و تمام النعمه**، مترجم: منصور پهلوان، قم: دارالحدیث.

ابن بابویه قمی، محمدبن علی، (۱۳۷۸ ق)، **عیون أخبار الرضا** علیه‌السلام، تهران: نشر جهان.

ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹)، **مناقب آل أبي‌طالب** علیهم‌السلام، قم: انتشارات علامه.

ادیبی لاریجانی، محمد باقر، (۱۳۸۷)، **مرزدار مکتب اهل بیت** علیهم‌السلام، قم: انتشارات دانشکده اصول دین.

افتخاری، لاله، (۱۳۸۷)، **پژوهشی در روایات تفسیری امام باقر** علیه‌السلام **و امام صادق** علیه‌السلام، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

بروجردی، میرزا مهدی، [بی‌تا]، **برهان روشن** (البرهان علی عدم تحریف القرآن)، تهران: کتابفروشی بوذرجمهری.

بلاغی، محمد جواد، (۱۳۵۲ ق)، **آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن**، قم: وجدانی.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، **نزاهت قرآن از تحریف**، چاپ دوم، قم: مرکز نشر اسراء.

حرعاملی، محمد بن حسن، (۱۴۱۴ ق)، **هدایة الأمة إلی أحکام الأئمة** علیهم‌السلام، مشهد: آستان قدس رضوی.

حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۰۹ ق)، **تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام

حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۳۷۶)، **الفصول المهمة في أصول الأئمة**(تکملة الوسائل)، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه‌السلام.

حرعاملی، محمدبن حسن، (۱۴۲۵ ق)، **إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات**، بیروت: اعلمی.

حسینی میلانی، سید علی، [بی‌تا]، **التحقیق فی نفی التحریف عن القرآن الشریف**، تهران: دارالقرآن الکریم.

حلی، جمال الدین حسن بن یوسف، (۱۴۰۲ ق)، **خلاصه الاقوال**، چاپ دوم، قم: الشریف الرضی.

خرازی، محسن، (۱۴۲۲ ق)، **عمده الاصول**، قم: موسسه در راه حق.

شریعتی، غلام محمد، (۱۳۹۰)، «معناشناسی در زمانی واژه کتاب در قرآن»، **مجله قرآن شناخت**، سال چهارم، شماره اول، پیاپی ۷، صفحه ۱۲۷-۱۵۵.

صفار، محمد بن حسن، (۱۴۰۴ ق)، **بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلی الله علیهم**، چاپ دوم، قم: مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.

طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵)، **مجمع البحرین**، چاپ سوم، تهران: کتابفروشی مرتضوی.

طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۲۰ ق)، **الفهرست**، قم: مکتبه المحقق الطباطبایی.

عروسی الحویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵ ق)، **تفسیر نورالثقلین**، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.

عسکری، سیدمرتضی، (۱۳۸۷)، **بر گستره کتاب و سنت**، مترجم: محمدجواد کرمی، قم: انتشارات دانشکده اصول دین.

فرجادی، محمد، (۱۳۸۳)، «معنی شناسی تاویل در روایات»، **فصلنامه پژوهش‌های قرآنی**، شماره ۳۷، دوره ۱۰.

فیض کاشانی، محمدمحسن بن شاه مرتضی، (۱۴۰۶ ق)، **الوافی**، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمومنین علی علیه‌السلام.

قمی مشهدی، محمدبن محمدرضا، (۱۳۶۸)، **تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب**، تحقیق: حسین درگاهی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قنبری، محمد، (۱۳۸۷)، **شناخت نامه کلینی و الکافی**، قم: دارالحدیث.

کشی، محمد بن عمر، (۱۴۰۴ ق)، **اختیار معرفة الرجال**، قم: موسسة آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث.

کلینی، ابوجعفرمحمدبن یعقوب، (۱۳۶۲)، **الکافي**، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.

کوشا، محمدعلی، (۱۳۸۴)، **فروغ توحید**، قم: حلم.

مفید، محمدبن محمدبن النعمان، (۱۴۱۳)، **الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد**، قم: کنگره شیخ مفید.

مهدوی راد، محمدعلی، (۱۳۸۲)، **آفاق تفسیر**، تهران: هستی نما.

نجاشی، احمد بن علی، (۱۳۶۵)، **رجال النجاشی**، قم: جماعة المدرسین في الحوزة العلمیة بقم، مؤسسة النشر الإسلامي.

نوری، حسین بن محمد تقی، (۱۴۰۸ ق)، **مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل**، قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام.

هاشمی، فاطمه، (۱۳۸۸)، **بررسی صحت اعتبار روایات منسوب به امام حسن عسکری** علیه‌السلام، چاپ سوم، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی.